

شاعر و روزنامه‌نگار خراسانی درگذشت

همه خبرنگاران حوزه فرهنگی که می‌خواستند درباره شعر خراسان و مشهد خبری تازه بگیرند، به یک شماره آشنا زنگ می‌زدند: جلیل فخرایی. فخرایی که علاوه برشاعری، روزنامه‌نگار باسابقه و پیگیری هم بود، شامگاه دوشنبه در پی عوارض ناشی از سکته در ۵۴ سالگی درگذشت. او سال‌ها قبل دچار مشکل شدید کلیوی شده بود و در حالی‌که وضعیت سلامتش نگران‌کننده شده بود، با پیگیری شاعران توانست پیوند کلیه برزند اما سرانجام کلیه‌های او از کار افتاد و مرگش در عین بهت و ناباوری شاعرانی‌که او را می‌شناختند، رقم خورد. او عضو شورای شعر سازمان بسیج هنرمندان و از خبرنگاران باسابقه خراسان رضوی بود که با روزنامه‌های این استان همچون قدس، خراسان و شهرآرا همکاری مستمری داشت و بسیاری از نشست‌ها و شب شعرهای خراسان را پوشش خبری می‌داد.



فخرایی آبان ۱۳۴۹ در مشهد به دنیا آمد و تحصیلات متوسطه‌اش را در این شهر به پایان برد و در رشته فلسفه غرب دانشگاه تبریز پذیرفته شد.

او در دهه ۴۰ به مشهد بازگشت و مسؤول روابط عمومی مجموعه فرهنگی کوهسنگی مشهد شد اما بیماری او در همین زمان آغاز شد و به دلیل نارسایی کلیه، هفتمه‌ای سه بار به مدت چهار ساعت زیر دستگاه دیالیز بود و پس از تشدید بیماری بازنشسته شد و به صورت خبرنگار آزاد با نشریات همکاری می‌کرد.

او در شعر زبانی ساده و تغزلی داشت، وزن‌های خوش‌آهنگ را انتخاب می‌کرد و درونمایه اصلی شعرهای او ادبیات دینی و مذهبی بود. او همچنین اهتمامی جدی به جمع‌آوری اشعار شاعران ادبیات پایداری و شعر آیینی داشت. از این کتاب‌های منتخب می‌توان به کتاب اشک مهتاب برگزیده‌ای از اشعار شاعران شعر مقاومت اشاره کرد. همچنین کتاب سایه غزل نیز برگزیده‌ای از سروده‌های مدرسان کانون‌های ادبی خانه‌های فرهنگ تهران با گردآوری و منتشر شده‌است و مجموعه‌ای از اشعار شاعران خراسان را با نام تذکره شاعران معاصر خراسان تدوین کرد.

شعر امروز

سروده مستشار نظامی

در وصف حضرت حمزه(ع)

مرد میدان، شیر غران حمزه ما حاج قاسم

بهمن سال گذشته اولین همایش بین‌المللی حضرت حمزه سیدالشهدا(ع) در شش محور زیست‌نامه و زندگینامه، تاریخ‌زدگی از تولد تا مسلمانی، مسلمانی تا هجرت و هجرت تا شهادت، حضرت حمزه در هنر و حمزه در منابع تاریخی، رجالی و حدیثی به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و اردو برگزار شد. رهبر معظم انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران این همایش، بر پرداخت هنری به زندگی صحابه مهم پیامبر(ص) تأکید فرمودند و این شد که نغمه مستشار نظامی، بانوی شاعر کشورمان دعوت رهبری را لایق گفت و در رای حضرت حمزه سیدالشهدا ترکیب‌بندی به نام «حمزه‌نامه» سرود که خبرگزاری فارس آن را منتشر کرده‌است.

بند پایانی از این ترکیب بند را که به حضرت حمزه(ع) تقدیم شده‌است در زیر می‌خوانید:
یار مولایی اگر باید که از دل یار باشی
جعفر طیار باشی؛ میثم تمار باشی
زن اگر هستی، سمیه، مرد اگر مانند یاسر
تا چراغ راه فرزندی چنان عمار باشی
چون ابودر پیر عشق حضرت مولا بمانی
همچو جابر تا نهایت تشنه دیدار باشی
رهرو مقدار در راه بصیرت بی‌محبا
یار دین عشق، در رفتار و در گفتار باشی
همچو سلمان جان و دل را در ره جانان بخواهی
حمزه باشی تا شهادت؛ دشمن کفار باشی
مرد میدان، شیر غران؛ حمزه ما حاج قاسم
یار مولا همدل و همراه آقا حاج قاسم



مرگ شاعر و مافیای خودرو

محمدزمان گلدسته، شاعر آیینی هفته‌گذشته در اثر یک تصادف شدید درگذشت و حسرت شعرهای ناگفته او بر دل همه ماند. کارمان شرفشاهی، شاعر درباره این حادثه در اینستاگرامش نوشت: «در اغلب خبرگزاری‌ها آمده است این شاعر بر اثر تصادف درگذشته اما به این نکته اشاره نشده که خودروی

گفت‌وگو با مهرداد صدقی، نویسنده کتاب آبنبات نارگیلی

آبنبات یکی مانده به آخر



فاطمه شهدوست

جام جم

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

انتشارات سوره مهر

محسن «آبنبات نارگیلی» در چه مرحله‌ای از زندگی‌است؟

در کتاب آبنبات نارگیلی، دوره دانشجویی را می‌گذرانند. شروع دوره دانشجویی در این کتاب است اما پایان دوره در جلد بعدی روایت شده و نارگیلی در یک مقطع حساسی از زندگی محسن تمام می‌شود.

روایت محسن از دهه ۶۰ و متاثر از جنگ شروع شد. حالا در کدام مقطع زمانی‌است؟

در نیمه دوم دهه ۷۰ تا اواخر دهه. تمام اتفاقاتی که در آن چند سال افتاد و قابلیت ایجاد طنز موقعیت داشتند در این کتاب آمده؛ اتفاق‌های شاخص و نوستالژی‌ها و شکل زندگی مردم کنار هم را می‌توانید در دهه ۷۰ مرور کنید.

نیمه دوم دهه ۷۰ پرتلاطمی از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. مانند جلد‌های قبلی این فضاها بر زندگی محسن تأثیر می‌گذارد؟

بله. باز هم زندگی او متاثر از جامعه و کمی بیشتر از گذشته درگیر این مسائل است اما وقت نوشتن حواسم به این نکته بود که در حال نوشتن یک رمان طنزآمیز و کتاب‌رمانی تاریخی نیست. برای همین موقعیت‌ها و رخدادهایی را انتخاب کرده‌ام که در چارچوب داستانی‌ام بگنجد.

فضای رمان بسیار شیرین و ملمو از آداب و سنن زندگی ایرانی است که برای همه ما شناخت‌است.

با این حال این دقت را داشتید که محدود به یک اقلیم و جغرافیای خاص نشود؟

خواننده‌های من محدود به یک اقلیم و جغرافیای خاص نیستند. اگر داستانم را در بجنورد روایت می‌کنم یا بخشی از زندگی او را به گران می‌برم یا کرمان به این معنا نیست که فقط این طیف مخاطب در آن مکان و مقطع زمانی ارتباط برقرار می‌کنند. بنا بر تجربه داستانی‌که از محسن روایت می‌کنم همه فارسی‌زبانان را دربرمی‌گیرد و محدود به جغرافیای خاصی یا پیشینه فرهنگی ویژه نمی‌شود. چون اساس موقعیت‌های طنزآمیز روی لهجه یا زمینه بومی خاصی نمی‌چرخد. به‌عنوان مثال ممکن است آمریکایی‌هایی که اوایل قرن ۲۱ را تجربه کرده‌اند بیشتر با سریال «فرندز» ارتباط برقرار کنند اما اساس روابط و موقعیت‌های کمیک و خنده‌آور

گفت‌وگو با دکتر عطاردی، نخبه علمی کشور درباره کتاب «از شریف تالس آنجلس»

آمریکا از توسعه دانش در ایران می‌ترسد

کتاب «از شریف تالس آنجلس» به توصیه برخی مسؤولان و با سفارش علی موسوی گرمارودی، شاعر نامدار کشورمان نوشته و منتشر شد تا

خاطرات تلخ و شیرین دستگیری سیدمجتبی عطاردی، نخبه علمی را در آمریکا روایت کند.

عطاردی، عضو هیات علمی دانشگاه شریف و راوی کتاب از شریف تالس آنجلس که امسال موفق به دریافت جایزه هنر انقلاب شده است، در گفت‌وگویی که گزیده‌ای از آن پیش روی شماسنت؛ درباره این موضوع صحبت کرده است که کتاب از شریف تالس آنجلس چگونه نوشته شد؟

خاطرات دکتر سیدمجتبی عطاردی از «۵۰روز اسارت در آمریکا به تازگی به چاپ دوم رسیده است، انتشارات سوره مهر منتشرکننده این کتاب است.

کتابی که می‌تواند فیلم شود

من پس از آزادی در ملاقات‌هایی که با چند نفر از دوستان و مسؤولان داشتم اتفاقات و صحنه‌هایی را تعریف کردم که شنوندگان آنها گفتند شاید اینها برای شما مهم نباشد اما حتما از دید کسانی که آنها را تجربه نکرده‌اند، جالب خواهد بود پس بهتر است که شما این خاطرات را در قالب کتابی بنویسید و منتشر کنید. یکی از وزرا گفت حتی حاضرم گروهی از خاطره‌نویسان را نزدتان بفرستم تا مصاحبه‌هایی با شما داشته باشند و کارتان را راحت‌تر کنند. این اتفاق افتاد و گروهی آمدند و خاطراتم را نوشتند اما نتیجه کارشان جذابیت چندانی نداشت. سپس استاد موسوی گرمارودی، شاعر برجسته کشورمان کتاب را به حوزه هنری داد و به مسؤولان آنجا توصیه کرد این کتاب علاوه بر این‌که قابلیت انتشار دارد، می‌تواند به یک فیلم تبدیل شود. این ارتباط با حوزه هنری برقرار شد. سپس سلسله مصاحبه‌های متعددی انجام شد و در نهایت به صورت یک کتاب درآمد.

کتاب از شریف تالس آنجلس دو قسمت دارد. یکی از قسمت‌های آن شرح خاطرات من است. این قسمت زندگی‌ام به‌خصوص بخش حرفه‌ای آن را

روایت می‌کند تا مخاطبان متوجه شوند

چه اتفاقاتی به دستگیری من منجر شدند.

بخش دوم کتاب از شریف تالس آنجلس

اتفاقات تلخ و شیرین پس از دستگیری‌ام

را روایت می‌کند. می‌خواهم بگویم درست

است در روزهای دستگیری لحظات سختی

بر من گذشت اما بعدها تصور کردم شاید

آن اتفاق از مقدرات الهی بوده است.

شاعر پس از تصادف دچار حریق شده و شدت آتش سوزی به حدی بوده که حتی

شناسایی جسد امکان پذیر نبوده است.

مافیای خودروسازی در سایه انحصار بازار خودرو همچنان به یکه‌تازی خود

با عرضه محصولات غیر استاندارد ادامه می‌دهد و جای دریغ دارد که برخی

بیشتر شده و برخی کتاب‌ها به سریال تبدیل

شده‌اند چون بالاخره مبدایی که بتواند سریالی

را با جفت ویست داستانی محکم‌تری ایجاد کند،

ادبیات است. در مراسم اسکار برخی از جوایز به

آثار اقتباسی تعلق می‌گیرد و این نگاه یکی دو سال

است در ایران هم پرنرنگ‌تر شده است. گمان

می‌کنم در درازمدت رجوع بیشتری شود برای

این که این کتاب به سریال تبدیل شود. عجله‌ای

ندارم و ترجیح می‌دهم به شکل بهتری اتفاق بیفتد

که بتواند روح کتاب را به سریال تبدیل کند.

شاید در صورت ساخت، اقبالی مانند سریال

پایتخت داشته باشد. حسی که وقت خواندن،

تداعی‌کننده این سریال بود؛ فضایی خانوادگی و

آشنا برای ایرانی‌ها.

توجه به حال مخاطب و این که وقت دیدن سریال

و خواندن این کتاب از مشکلات فارغ شوند بین

هر دو مشترک است. این نگاه سازنده و نویسنده

که می‌خواهند فضایی شیرین و دوست‌داشتنی

خلق کنند، فضایی که مخاطب در آن احساس

امنیت می‌کند، استرس و نگرانی را دور می‌کند تا

برای چند صبحی به مشکلات فکر نکنند. برای

همین حس می‌کنید فضای مبهم مشترکی

دارد. ضمن این که پایتخت هم از لهجه استفاده

کرده اما از نظر سیر داستانی کاملا با هم متفاوت

هستند.

در صورت ساخت ما شاهد سریالی می‌شویم که از نوجوانی تا بزرگسالی یک شخصیت ثابت را دارد و سریال دنبال‌دار معمولاً محبوب می‌شود.

زمان در آبنبات‌ها عنصر مهمی است و

شخصیت‌ها پویا هستند، به‌ویژه خود محسن

از جلداول تا چهار تغییرکرده و این‌طور نیست که

همان شخصیت کودکی را به بزرگسالی منتقل

کرده باشم. وجوه مشترک بین کودکی و بزرگسالی

و ژن ثابت وجود دارد و خصوصیات و ویژگی

شخصیتی که اگر آنها را تغییر دهی دیگر همان

شخصیت جلد یک نیست اما زمان عنصر مهمی

است و شخصیت پویا که باعث می‌شود دست

نویسنده برای خلق موقعیت طنز هم باز باشد.

اگر می‌خواستم آبنبات‌ها را در یک زمانی روایت

کنم بعد از مدتی شوخی‌ها خیلی تکرار می‌شد؛

چقدر می‌توانستی بدون زمان نگاه یک کاراکتر را

به دنیای اطراف روایت کنی ولی این که زمان هم

پیش می‌رود و جامعه هم در حال تغییر است

و نگاه افراد به جامعه به همدیگر و به مسائل

مختلف تغییر می‌کند، کمکی است برای خلق

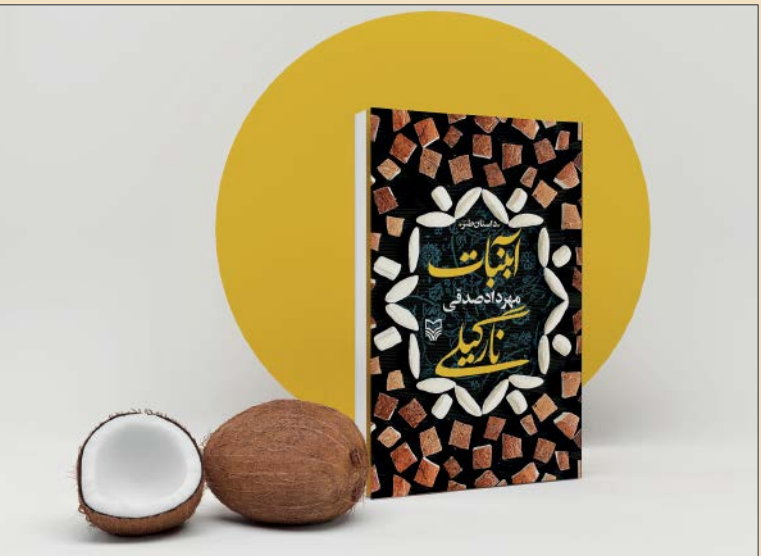
موقعیت‌های طنزآمیز. برای همین سعی کردم

نهادها همچنان تماشاچیان بی‌اراده این بازار مکاره هستند. محمدزمان

گلدسته در زادگاهش گرگان به خاک سپرده شد در حالی که ۴۷ بهار را

بیشتر پشت سر گذاشته بود و می‌توانست سال‌ها در کنار ما باشد

و برای ما بسرابرد اگر…»



انتشارات سوره مهر

داستانم در فضای راکنی از نظر زمانی رخ ندهد.

خاطرات محسن، خاطرات خودشماش؟

نه، خاطرات من نیست اما از تجربه زیسته خودم

بهره‌گرفته و گاهی فکر کرده‌ام بار دراماتیک

خاطره خودم ممکن است موقعیت طنزآمیزی

در داستان ایجاد کند اما شباهت آنچه نوشته‌ام

با خاطره خودم ممکن است ۳ تا ۴ درصد باشد.

کسی که خودش در بطن خاطره بوده و می‌خواند

شباهتی پیدا نمی‌کند یا برای یک دکمه یک کت

دوخته‌ام. محسن را در آبنبات نارگیلی به گران

آورد‌ام و درست است که خودم هم گران درس

خوانده‌ام اما دلیل این انتخاب این بود که آن

دوره زمانی را در گران حس کرده بودم و از تجربه

زیسته‌ام در آن مقطع استفاده کرده‌ام.

چرا آبنبات؟

آبنبات، سوغات خراسان شمالی به‌ویژه بجنورد

است. آنچه همه مردم به آن شکرپنیر می‌گویند

در خود بجنورد به آن آبنبات می‌گویند اما وقتی

بسته‌بندی می‌کنند برای ارسال به نقاط دیگر

می‌گویند شکرپنیر که این هم برای خودش

داستانی دارد. دوست داشتم با همین آبنبات

کتاب‌هایم را معرفی کنم تا مانند آبنبات که

شیرین است و امیدوارم کتاب‌های من هم

شیرین باشد. دوست داشتم این هم سوغات

فرهنگی باشد. جلداول را آبنبات هل دار انتخاب

کردم. این کتاب از نظر داستانی کامل است و

مخاطب همان را بخواند ماجرای مستقلی

است. جلد‌های بعدی بسته نیستند و در امتداد

هم هستند و تنها هل‌دار می‌تواند به عنوان

مستقل باشد. سعی کردم بقیه آبنبات‌ها را جای

این که یک و دو بزنم، هرکدام یک طعم باشد.

خوشبختانه این طعم‌ها هم آن‌قدر متنوع

هستند که هرچقدر بنویسم تمام نمی‌شود.

چندتدبیر دیگرمانده؟

یک جلد دیگر مانده. نارگیلی در موقعیت حساسی

تمام می‌شود و از الان منتظر ابراز ناراحتی مخاطب

هستم که می‌خواهند ادامه را بدانند و می‌گویند

زودتر جلد بعدی را بنویس. امیدوارم صبر داشته

باشند تا بتوانم داستان را جوری بنویسم که مانند

اسمش شیرین باشد و به آنها بچسبد. در جلد

بعدی ماجراها تمام می‌شود و فینالی خواهد بود

برای فرجام داستان محسن اما در آبنبات‌ها مسیر

مهم است و این که داستان را که می‌خوانید لذت

ببرید و زیاد به انتهای داستان فکر نکنید. امیدوارم

توانسته باشم فضایی خلق کنم که این مسیر

لذتبخش باشد.

ترس آمریکا از دانش ایرانی

کشورهایی چون آمریکا باتوسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران احساس خطر می‌کنند. ما از این امر غافل هستیم و زمانی که در مرکز توجه رهبر قرار می‌گیرد، مسؤولان فقط به انجام کارهای تبلیغاتی می‌پردازند. آنها آنچنان که باید و شاید از دانشمندان و نخبه‌های علمی حمایت نمی‌کنند. ما باید به استفاده اقتصادی از توانایی‌های استادان دانشگاه‌های کشورمان به‌خصوص دانشگاه‌های تراز اول توجه کنیم. این به آن معنا نیست که استادان مذکور به صنعت مراجعه کنند، بلکه صنایع، سازمان‌ها، وزرا و وکلا باید به این استادان مراجعه کنند.

چرا آمریکا مرادستگیر کرد؟

در واقع فکر می‌کنم مهم‌ترین دلیلی که آمریکا من را دستگیر کرد این بود که با رصدهای پنج ساله متوجه شدند یک حرکت اقتصادی در حوزه صنعت پیشرفته در ایران رخ می‌دهد. البته تحقیقات ما مشکل برای آن کشور ایجاد نمی‌کرد. از طرف دیگر اکثر دانشجویان و نخبگانی که تربیت می‌کردیم به کشورهای آمریکا و کانادا می‌رفتند. به محض این که مسؤولان متوجه شدند قرار است کاری اقتصادی در زمینه میکروالکترونیک، تکنولوژی نیمه‌هادی و چیپ‌تکنولوژی در ایران انجام دهم، احساس خطر و بهانه‌ای پیدا کردند تا من را دستگیر کنند. اگر این اتفاق نمی‌افتاد، ایران در حال حاضر یک منبع اقتصادی چندهزار میلیاردی داشت.

یک کتاب ۲ قسمتی

کتاب از شریف تالس آنجلس دو قسمت دارد. یکی از قسمت‌های آن شرح خاطرات من است. این قسمت زندگی‌ام به‌خصوص بخش حرفه‌ای آن را

روایت می‌کند تا مخاطبان متوجه شوند

چه اتفاقاتی به دستگیری من منجر شدند.

بخش دوم کتاب از شریف تالس آنجلس

اتفاقات تلخ و شیرین پس از دستگیری‌ام

را روایت می‌کند. می‌خواهم بگویم درست